

جنبه‌های تاریخی کتابخانه‌های عمومی ایران

محبوبه خدائی

کارشناس ارشد علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی

mbkhodai@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۸۸/۱/۱۷؛ تاریخ پذیرش: ۸۸/۴/۱۰

چکیده

در این پژوهش پیدایش و تحول کتابخانه‌های عمومی ایران در مقایسه با جنبش کتابخانه‌های عمومی در کشورهای آمریکا و انگلیس (به لحاظ تاریخی) و همچنین رهنمودهای ایفلا و یونسکو مورد بررسی قرار گرفته است. مهم‌ترین یافته پژوهش حاضر این است که جنبش کتابخانه‌های عمومی ایران مانند کشورهای پیشگام در این راه یعنی آمریکا و انگلیس، توسط مردم و روشنفکران شکل گرفت. اما در ایران بر عکس کشورهای آمریکا و انگلیس قوانین روز به روز از مشارکت مردم و کتابداران در امور کتابخانه‌های عمومی کاسته و باعث برخی مشکلات و نارسایی‌ها شده است. یکی دیگر از یافته‌های این پژوهش این است که چارچوب قانونی و مالی کتابخانه‌های عمومی کشور ایران نیز هم اکنون با رهنمودهای ایفلا و یونسکو در سال ۲۰۰۱ هم‌خوانی چندانی ندارد. و به دلیل عدم توجه به نیازهای محلی، کودکان و گروه‌های خاص، کتابخانه‌های عمومی ایران از کارکردها و ماهیت و رسالت اصلی خود دور شده‌اند. بنابراین به نظر می‌رسد قوانین مربوط به کتابخانه‌های عمومی ایران نیاز به بازنویسی دارد، به گونه‌ای که مشارکت مردم از طریق شوراهای محلی و متخصصان علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی پررنگ‌تر شود. مقاله‌ی حاضر علاوه بر ارائه یافته‌های پژوهش، می‌تواند مقدمه‌ای برای تحقیقات کیفی و تاریخی بیشتر در این زمینه باشد.

کلید واژه‌ها: کتابخانه‌های عمومی، تاریخ، قوانین و مقررات، ایران.



کتابخانه عمومی نهادی همگانی است و مسئولیت آن از دو جنبه قابل بررسی است. جنبه اول اینکه اداره آن در دست کتابداران متخصص است و دوم بودجه آن را مالیات‌دهندگان، یعنی مردم جامعه تأمین می‌کنند (نیکنام، ۱۳۷۸). علاوه بر آن عملکرد دولت‌ها در جهت دستیابی آزاد شهروندان به اطلاعات، موفقیت کتابخانه‌های عمومی در انجام کارکردهایشان را تضمین خواهد کرد. اما در صورتی که این کتابخانه‌ها از طرف خود جامعه ایجاد و پشتیبانی شود؛ کتابخانه به منزله پاسخی به نیازهای اطلاعاتی مردم و عاملی مهم در تغییر و تحول و توسعه فردی و اجتماعی در می‌آید (کمبل^۱، ۱۳۷۱). مک کالوین^۲ (۱۳۳۴) یکی از شخصیت‌های برجسته در امور کتابخانه‌های عمومی انگلستان عقیده دارد تشکیلات غیر رسمی یا اتحادیه‌ها و انجمن‌ها می‌توانند عامل مؤثری در توسعه کتابخانه‌ها باشند. این انجمن‌ها می‌توانند از اشخاص مایل به توسعه کتابخانه‌ها، نمایندگان کمیسیون‌های محلی کتابخانه و کتابداران تشکیل شوند.

کتابخانه‌های عمومی به عنوان یک نهاد فرهنگی در طول تاریخ معمولاً به دست مردم بنیانگذاری شده و هزینه نگهداری و مدیریت آنها نیز از طریق خود آنان تأمین شده است. این امر باعث می‌شود که مردم در تصمیم‌گیری‌های مربوط به کتابخانه‌های عمومی سهیم باشند. اما در کشور ایران هر چند اولین کتابخانه‌های عمومی توسط مردمان علاقه‌مند به فرهنگ و علم و دانش پایه گذاری شده است، ولی در ادامه‌ی حیات خود دستخوش دخالت‌های مستقیم و غیرمستقیم دولت شده‌اند (لازم به ذکر است که منظور این پژوهش کتابخانه‌های عمومی است که زیر نظر هیأت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور اداره می‌شدند). همچنین این پژوهش بین سال‌های ۸۲ تا ۸۵ انجام شده و بین انجام و انتشار آن فاصله زمانی وجود دارد. بنابراین به تغییرات جدید در مدیریت، سیستم و آمار مربوط به آن اشاره نشده است.

پژوهش حاضر با توجه به نبود پژوهش‌های عمقی در این مورد تعریف و انجام شد تا بدین وسیله خطوط کلی پیدایش و تحول کتابخانه‌های عمومی در ایران را بررسی کند. و با عرضه فهمی از گذشته و حال کتابخانه‌های عمومی، راهکارهایی برای بهبود وضعیت آنها عرضه نماید. در این زمینه ویژگی‌های بارز در گذشته و حال کتابخانه‌های عمومی ایران با همتایان آنها در دو کشور پیشگام و موفق در جنبش کتابخانه‌های عمومی، یعنی آمریکا و انگلیس مقایسه

1. Campbell

2. Mc Colvin

جنبه‌های تاریخی کتابخانه‌های عمومی ایران

شده است. هدف از این مقایسه نشان دادن نقاط مشابه و متمایز کتابخانه‌های عمومی در کشور با کتابخانه‌های عمومی در دو کشوری است که ایده‌ی کتابخانه عمومی از آنها به بقیه جهان صادر شده است (تامپسون، ۱۳۶۶). مبنای مقایسه‌ی دیگر در این پژوهش، استانداردها و رهنمودهای ایفلا و یونسکو برای کتابخانه‌های عمومی است.

پرسش‌های پژوهش

- ۱- عوامل و عناصر شکل دهنده‌ی کتابخانه‌های عمومی در ایران چه بوده‌اند؟
- ۲- قانون نحوه‌ی تأسیس کتابخانه‌های عمومی در سال ۱۳۸۲ با قانون کتابخانه‌های عمومی در تمام شهرها در سال ۱۳۴۴ چه تفاوت‌هایی دارد؟
- ۳- تحولات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تا چه میزان روی تحولات در نظام کتابخانه‌های عمومی نقش داشته است؟
- ۴- چارچوب قانونی و مالی کتابخانه‌های عمومی در کشور ما تا چه اندازه با رهنمودهای ایفلا/ یونسکو هم‌خوانی دارد؟
- ۵- کتابخانه‌های عمومی ایران چه تفاوت‌ها یا تشابه‌هایی با کشورهای پیشگام جنبش کتابخانه‌های عمومی (آمریکا و انگلیس) دارند؟

روش پژوهش

در پژوهش حاضر از روش تاریخی برای ترسیم پیدایش و توسعه‌ی کتابخانه‌های عمومی در ایران و منابع کتابخانه‌ای شامل قوانین، گزارش‌ها و اسناد و مدارک برای بحث درباره‌ی ظرائف تحولات ساختاری کتابخانه‌ها مورد استفاده قرار گرفته است. بیشتر این مدارک از طریق نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور تهیه شده است و از یافته‌های گزارش‌های پژوهشی در این زمینه نیز برای تقویت و پشتیبانی استدلال‌ها استفاده شده است.

از طرف دیگر در این پژوهش از روش طبیعت‌گرایانه استفاده شده است، رویکردی که «واقعیت را به صورت یک کل و مجموعه و همواره در تغییر می‌بیند و هدف از آن ادراک پدیده‌ها است نه پیش‌بینی آنها». در این روش نیز مانند روش‌های دیگر، می‌توان با استفاده از تحلیل داده‌ها به استنتاج‌های معتبر و تکرارپذیری دست یافت. (پاول، ۱۳۷۹) یعنی پژوهش



کیفی بیش تر به روش استقرایی انجام می شود و تفسیر داده ها در جریان گردآوری داده ها صورت می گیرد (منصوریان، ۱۳۸۱).

در پژوهش های کیفی یکی از اصول تحلیل داده ها این است که فرضیه در آنها به طور طبیعی از تحلیل داده ها به دست می آید و مانند دیگر روش ها، فرضیه جوابی حدسی و از پیش تعیین شده برای سؤالات پژوهش نیست تا در نتیجه گیری، صحت و سقم آن جواب به دست آید؛ بلکه تا آخرین لحظه گردآوری داده ها، نتیجه گیری از داده ها تأثیر می پذیرد (پاول، ۱۳۷۹). یعنی یک پژوهش گر کمی پس از نظریه پردازی و بیان فرضیه ها و عملی کردن متغیرها، گردآوری داده ها را آغاز می کند. ولی یک پژوهش گر کیفی، با پرسش پژوهش و اندکی از مطالب دیگر، تحقیق را آغاز می کند و نظریه در طول فرایند گردآوری داده ها به دست می آید. (منصوریان، ۱۳۸۱) با توجه به موارد بالا و با اهتمام به ماهیت پیچیده پژوهش تاریخی که امکان بیان فرضیه به صورت صریح را از ما می گیرد (دلاور، ۱۳۷۵). برای این تحقیق فرضیه ای در نظر گرفته نشده است.

پژوهش حاضر علاوه بر اینکه به مسئله ی کتابخانه های عمومی از دید تاریخی و با توجه به مسائل سیاسی و اقتصادی آنها توجه کرده است، مسائل روز این کتابخانه ها را نیز بررسی می نماید. همچنین در قسمت پیشنهادها، طرحی برای تشکیل شوراهای محلی کتابخانه ها در جهت تعامل بیشتر کتابخانه های عمومی کشور با جامعه ی محلی ارائه شده است.

پیشینه ی پژوهش

در کشورهای دیگر مانند آمریکا، انگلیس، مصر و... پژوهش ها و منابع متعددی درباره ی تاریخ کتابخانه های عمومی آنها وجود دارد. اما جست و جو در منابع کتابشناختی نشان می دهد که تعداد اندکی از مطالعات انجام شده در ایران به بررسی تاریخی از فرایند شکل گیری کتابخانه های عمومی و بررسی ساختار آنها پرداخته اند. به تعدادی از مطالعات انجام شده در ایران و خارج که بیشتر مرتبط با موضوع این پژوهش است در زیر اشاره می شود.

پژوهش شعبانی (۱۳۷۶) با حوزه ی مورد علاقه این پژوهش نزدیک است. شعبانی زمینه ی رشد نهاد کتابخانه های عمومی در آمریکا و انگلیس را با ایران مقایسه کرده است. وی همکاری مردمی و حمایت ثروتمندان را از جمله عوامل رشد کتابخانه های آمریکا و بریتانیا می داند. اما

جنبه‌های تاریخی کتابخانه‌های عمومی ایران

توسعه‌ی کتابخانه‌های عمومی در ایران رانه به خاطر نیاز به نهادی کمک آموزشی، بلکه نتیجه‌ی تغییر سازمان‌های دولتی و وضعیت اقتصادی مناسب دولت در آن مقطع زمانی (دهه ۱۳۴۰) می‌داند. با این حال راجع به سازوکارهای کتابخانه‌های عمومی ایران و پیامدهای آن برای خدمات این کتابخانه‌ها بحثی نمی‌کند.

برادران (۱۳۷۷) به بررسی اهداف مطرح شده در برنامه‌ی اول و دوم توسعه‌ی جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد. علاوه بر آن کتابخانه‌های عمومی در سطح کشور و نیازها و کاستی‌های آنها را بررسی کرده است و در صدد ارائه‌ی الگویی مناسب برای برنامه‌ی سوم توسعه‌ی در خصوص کتابخانه‌های عمومی بوده است. دستاوردها و نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهند، کتابخانه‌های عمومی در سطح کشور با مسائل و مشکلات متعددی از جمله کمبود نیروی انسانی متخصص، عدم وجود فضای مناسب، کمبود منابع برای استفاده مراجعان و وجود برنامه‌ریزی متمرکز برای کتابخانه‌ها بدون توجه به نیازها و بافت فرهنگی استان‌های مختلف و... روبه‌رو هستند. مطالب این پژوهش بسیار قابل تأمل است، اما به مسائل تاریخی در آن اشاره‌ای نشده است.

مهراد و حری (۱۳۸۱) در تلاش برای ارائه‌ی طرحی برای توسعه‌ی نظام ملی کتابخانه‌های عمومی در ایران، این کتابخانه‌ها را به درستی زاده‌ی انقلاب مشروطیت (۱۲۸۵ ش.) می‌دانند. اما توجه اصلی آنها به برنامه‌ریزی است و تنها به تاریخچه‌ی مختصری از کتابخانه‌های عمومی ایران بسنده کرده‌اند. این گزارش وضعیت خدمات کتابخانه‌های عمومی از نظر امانت، تجهیزات، نیروی انسانی و... را توصیف می‌کند و فاصله‌ی آنها را با استانداردهای ایفلا گوشزد می‌نماید. این گزارش به مسئله‌ی تمرکز در ساختار این کتابخانه می‌پردازد و راهکاری برای هماهنگی نظام ملی کتابخانه‌های عمومی کشور پیشنهاد می‌کند.

طرح جامع توسعه‌ی کتابخانه‌های عمومی زیر نظر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز در سال ۱۳۸۱ به تصویب رسید. گزارش اولیه‌ی این طرح شامل وضعیت موجود و آسیب‌شناسی جنبه‌های مختلف کتابخانه‌های عمومی است. این طرح در ده زمینه‌ی کتابشناسی، سازماندهی، مجموعه‌سازی، ارتباطات، حفاظت و نگهداری، تجهیزات، خدمات عمومی، نیروی انسانی، ساختار و تشکیلات و پژوهش در کتابخانه‌های عمومی ایران انجام شده است. نتایج آن نیز مانند دیگر پژوهش‌ها نشان از پایین بودن سطح کمی و کیفی کتابخانه‌های عمومی ایران دارد. از

جمله مشکلاتی که این طرح به آنها اشاره کرده است عبارتند از: وجود تمرکز و عدم توزیع مناسب اختیارات بین لایه‌های مختلف، عدم وجود سازوکارهای پیگیری مناسب و عدم ضمانت اجرایی کافی برای تصمیمات، ضعف سازوکارهای موجود در جلب مشارکت بخش غیردولتی در تأسیس و اداره و ضعف تخصصی انجمن‌ها، فعال نبودن برخی از آنها و عدم حضور نماینده‌ی کتابداران در ترکیب اعضا، مشتری‌مدار نبودن ساختار کتابخانه‌ها و ضعف سازوکارهای سنجش نیازها از مراجعان و ارزیابی میزان رضایت‌مندی (به سوی توسعه...، ۱۳۸۳). به بعضی از این موارد در پژوهش حاضر نیز اشاره شده است، اما در بعضی زمینه‌ها (مثلاً مجموعه‌سازی) به نظر می‌رسد نگاه جامعی نشده است.

باوند زنجانی (۱۹۸۹) تاریخچه‌ی کتابخانه‌های عمومی ایران را از دهه ۱۹۶۰ توصیف کرده و کتابخانه‌های تحت نظارت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و وزارت آموزش (کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان) را از نظر سازمان، کارمندان، ساختمان و تجهیزات و غیره مورد بررسی قرار داده است. سرانجام ضعف در سیاست، کمبود کارمندان حرفه‌ای و... را از جمله مشکلات این کتابخانه‌ها بر می‌شمارد.

بوری^۱ (۱۹۹۴) در مقاله‌ای رو به ضعف نهادن کتابخانه‌های عمومی مصر را این‌طور توجیه می‌کند که علاوه بر مشکلات اقتصادی - اجتماعی، دیدگاه سیاسی دولت مصر، اولویت‌های توسعه‌ی ملی را طوری در نظر گرفته که با وجود شعار اطلاعات برای توسعه، به کتابخانه‌های عمومی توجه کمتری شده است. همچنین نظریه‌ی وابسته و غیرمحلّی تشکیل کتابخانه‌ی عمومی و کم‌توجهی یونسکو به این امر را نیز از عوامل تأثیرگذار بر این ضعف می‌داند.

ییلماز^۲ (۲۰۰۲) کتابخانه‌ی عمومی را زاده‌ی تحولات آموزشی و ساختار فرهنگی می‌داند که از مظاهر صنعتی شدن بود و آن را بوسیله‌ی نظریه‌ی تغییر اجتماعی بررسی می‌کند. وی کتابخانه عمومی را قسمتی از فرهنگ جدید زندگی اجتماعی به حساب می‌آورد.

بلک^۳ (۲۰۰۴) در مقاله‌ی خود ضمن معرفی مک کالوین، چهره‌ی بزرگ کتابخانه‌های عمومی انگلیس در نیمه‌ی قرن بیستم و اشاره به کارها، سمت‌ها و فلسفه‌ی حرفه‌ای او، به گزارش بسیار تأثیرگذار او اشاره می‌کند. همچنین واکنش‌هایی که طرح‌های او درباره‌ی کتابخانه‌های عمومی انگلیس برانگیخت را مورد بررسی قرار می‌دهد. در آخر به تغییرات

1. Bouri

2. Yilmaz

3. Black

جنبه‌های تاریخی کتابخانه‌های عمومی ایران

ساختاری که در دولت و در نتیجه ساختار این کتابخانه‌ها در بریتانیا اتفاق افتاد و باعث تغییر قوانین شد، می‌پردازد و آنها را نتیجه‌ی تلاش‌های ارزشمند مک کالوین می‌داند.

پاسخ به پرسش‌های اساسی پژوهش

پرسش ۱. عوامل و عناصر شکل‌دهنده‌ی کتابخانه‌های عمومی در ایران چه بوده‌اند؟
در اواخر دوران قاجار و در دوره‌ی پهلوی برخی اصلاحات مدنی، آموزشی، اقتصادی و صنعتی در کشور صورت گرفت و در پی این تحولات، دانشگاه‌ها ساخته شدند و با توسعه چاپ و نشر و آموزش عمومی تعداد باسوادان افزایش یافت. اما به عقیده‌ی رجیبی (۱۳۸۱) و شعبانی (۱۳۷۶) از آنجا که این اصلاحات تقلیدی و دستوری بود و از رده‌های بالای قدرت سرچشمه می‌گرفت و به دلیل این که توسعه‌ی سیاسی صورت نگرفته بود و مردم جامعه در این تحولات نقشی نداشتند، این تغییرات نتوانست در فرهنگ بومی جایی باز کند و به تحول اجتماعی آن‌طور که باید دست یابد. به عقیده‌ی شعبانی و رجیبی کتابخانه‌های عمومی نیز از این امر مستثنی نبودند و به دنبال آرایش مجدد سازمان‌های دولتی و شرایط اقتصادی مناسب به وجود آمدند. بنابراین از آن‌جا که از پیشینه‌ای سست و ناهمگون برخوردار بودند، نتوانستند در این شرایط اجتماعی به اهداف و مفاهیم اصلی خود دست پیدا کنند.

اما آنچه نویسنده استنباط می‌کند، این است که جنبش کتابخانه‌های عمومی در ایران توسط مردم شکل گرفت، نه از طرف دولت. و اگر این کتابخانه‌ها نتوانستند به ماهیت و اهداف واقعی خود دست پیدا کنند، دلایل دیگری داشته است که در پرسش‌های دیگر به آن پرداخته خواهد شد. این پژوهش نشان می‌دهد که اگر چه کتابخانه عمومی در ایران به خصوص به شکل وقفی آن سابقه‌ای طولانی دارد، اما کتابخانه‌های عمومی امروزی از زمان مشروطیت یعنی حدود صد سال پیش به وجود آمدند. به این صورت که با ظهور مشروطیت و انحلال حکومت قاجاریان به توسعه‌ی سیاسی منجر شد. جنبش مشروطیت باعث به وجود آمدن گروه‌های اجتماعی شد که به مسائل سیاسی و اجتماعی جامعه‌ی خود علاقه‌مند و خواستار تجدید بودند. این گروه‌ها به تشکیل انجمن‌های فرهنگی و در جوار آنها به تأسیس کتابخانه‌ها و قرائت‌خانه‌ها دست زدند. یکی از این انجمن‌ها و احتمالاً اولین آنها، انجمن معارف تهران بود. گروهی از روشنفکران انجمن معارف را در سال ۱۳۱۵ هجری قمری تشکیل دادند و با تنظیم نظام‌نامه‌ای

تصمیم به تأسیس کتابخانه‌ی عمومی معارف گرفتند. جنبش مشروطیت همچنین با انتشار روزنامه‌های زیادی در کشور، به‌خصوص در تهران و تبریز همراه و برای خوانندگان بی‌شمار آنها قرائت‌خانه‌هایی در این دو شهر تأسیس شد. همین‌طور کتابخانه‌های دیگری که در شهرهای شیراز، کرمان، رشت، اصفهان و... با کمک مردم شهر و روشنفکران ساخته شد (مزینانی، ۱۳۷۹). و به گفته‌ی شعبانی (۱۳۷۶) آن‌طور که از نام این کتابخانه‌ها هم پیدا بود (مانند کتابخانه ملی کرمان یا کتابخانه ملی فارس)، ملی‌گرایانه بودند و نشان از روشن‌اندیشی بومی داشتند. اما وی معتقد است که این کتابخانه‌ها بر اثر بالارفتن سطح سواد و رفع نیازهای آموزشی و سرگرمی به وجود نیامدند، بلکه نتیجه توجّهات روشنفکری بودند.

همچنین سطح سواد و آموزش در طی دوره‌ی پهلوی اول و دوم به سرعت در حال افزایش بود و حتی خود مردم احساس نیاز به آموزش را با توجه زیادی که به تأسیس دبستان می‌کردند، نشان می‌دادند. البته درست است که اغلب روشنفکران به فکر ساختن کتابخانه عمومی افتادند، اما مدتی بعد این کتابخانه‌ها از حمایت حکومت نیز برخوردار شدند (مزینانی، ۱۳۷۹). با تصویب قانون سال ۱۳۴۴ این کتابخانه‌ها به‌طور کامل مورد حمایت دولت قرار گرفتند. البته این که شعبانی (۱۳۷۶) حمایت دولت از تصویب قانون سال ۱۳۴۴ را ناشی از آرایش مجدد سازمان‌های دولتی و وضعیت اقتصادی مناسب دولت می‌داند، تا حدودی درست به‌نظر می‌رسد. زیرا دولت در آن دوره به دلیل افزایش درآمد نفت و ثبات نسبی سیاست‌های اقتصادی در شرایط خوبی از نظر وضعیت اقتصادی بود (برنامه پنجم، ...، ۱۳۵۱).

پرسش ۲. قانون نحوه‌ی تأسیس کتابخانه‌های عمومی در سال ۱۳۸۲ با قانون کتابخانه‌های عمومی در تمام شهرها در سال ۱۳۴۴ چه تفاوت‌هایی دارد؟

بر خلاف کشورهای آمریکا و انگلیس، در ایران قوانین در طی زمان از دخالت مردمی کاسته‌اند. بر اساس قانون سال ۱۳۴۴، هیأت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور از وزیر فرهنگ و هنر، وزیر کشور و پنج نفر به پیشنهاد وزیر فرهنگ تشکیل شد. و وظیفه‌ی آن راهنمایی و نظارت بر انجام وظایف قانونی انجمن کتابخانه‌ها ذکر شده بود. (مجموعه قوانین و...، ۱۳۷۱). اما در قانون سال ۱۳۸۲ هیأت امنای متشکل از وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، رئیس شورای عالی استان‌ها، معاون ذی‌ربط از سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، یکی از اعضای کمیسیون

جنبه‌های تاریخی کتابخانه‌های عمومی ایران

فرهنگی مجلس و رئیس کتابخانه ملی، به‌علاوه‌ی پنج نفر از صاحب‌نظران و شخصیت‌های علمی و فرهنگی کشور می‌باشد و وظایف آن نیز به‌طور مفصل شرح داده شده است (قانون...، ۱۳۸۴). بنابراین مشخص است که در قانون سال ۱۳۸۲ به هیأت امنای اهمیت بیشتری داده شده است. اما نکته‌ای که وجود دارد این است که هیأت امنای سال ۱۳۴۴ دبیرکل را از بین خود و یا از خارج با اکثریت آرا انتخاب می‌کنند (مجموعه قوانین و...، ۱۳۷۱)، ولی در قانون سال ۱۳۸۲ وزیر فرهنگ، دبیرکل را از بین اعضای هیأت امنای انتخاب می‌کند (قانون...، ۱۳۸۴).

اعضای انجمن شهر کتابخانه‌های عمومی در قانون سال ۱۳۴۴، مرکب از رئیس فرهنگ و هنر، نماینده‌ی انجمن شهر و نماینده‌ی شهرداری به مدت چهار سال و به صورت افتخاری خدمت می‌کنند (مجموعه قوانین و...، ۱۳۷۱). در حالی که اعضای انجمن شهرها در قانون سال ۱۳۸۲، از مدیران رده بالا انتخاب می‌شوند (فرماندار، رئیس اداره فرهنگ، شهردار، رئیس شورای اسلامی شهرستان) (قانون...، ۱۳۸۴). اعضای دیگر انجمن شهر در قانون ۱۳۴۴، چهار نفر از دانشمندان و معتمدین شهر هستند و یکی از آنها باید مسئول تمام وقت کتابخانه‌ی شهر باشد که دوره‌ی کتابداری را نیز گذرانده باشد. همچنین چهار نفر از اعضای شورای آموزش و پرورش اعضای افتخاری آن هستند (مجموعه قوانین و...، ۱۳۷۱). اما در سال ۱۳۸۲ پنج نفر دیگر اعضای انجمن کتابخانه‌ی شهر باید اشخاص حقیقی و حقوقی باشند و در دستورالعمل نحوه‌ی انتخاب اعضا، تنها آگاهی و شناخت لازم در زمینه‌ی کارکرد روزآمد کتابخانه‌های عمومی و داشتن تحصیلات دانشگاهی حداقل در مقطع کارشناسی ملاک است و نه حتماً مدرک کتابداری (قانون...، ۱۳۸۴).

جالب این‌جاست که دبیر انجمن کتابخانه‌ی شهر در سال ۱۳۴۴، کتابدار کتابخانه است. اما در سال ۱۳۸۲، رئیس اداره‌ی فرهنگ و ارشاد اسلامی دبیر این انجمن است و همچنین رئیس انجمن کتابخانه‌ی شهر در آیین‌نامه‌ی سال ۱۳۴۴، رئیس فرهنگ و یا آموزش و پرورش است، اما در سال ۱۳۸۲ فرماندار به عنوان رئیس انجمن شهری کتابخانه‌هاست. وظایف این انجمن نیز در قانون سال ۱۳۸۲، تنها افتتاح حساب و ارسال گزارش به هیأت امنای امور مالی و مسائل مربوط به کارکنان است، در حالی که در قانون سال ۱۳۴۴ انجمن شهر وظیفه‌ی تأسیس و اداره‌ی کتابخانه‌ی عمومی و قرائت‌خانه و همچنین اقدام به ساخت کتابخانه و خرید کتاب و لوازم



مربوط به آن را هم دارد.

در سال ۱۳۴۴ بر تشویق اهالی محل به اهدای زمین و کتاب و کمک‌های مادی و معنوی دیگر به کتابخانه‌ی عمومی تأکید شده بود. اما در مقابل ماده (۹) آیین‌نامه سال ۱۳۸۲ یکی از وظایف انجمن‌ها این است: «د- تشویق به اهدای زمین، کتاب و سایر کمک‌های نقدی و غیر نقدی به کتابخانه‌ها.» یعنی لفظ اهالی محل از آن حذف شده است. این نشان‌دهنده نادیده گرفتن نقش اهالی محل حتی در لفظ قانون است.

تبصره‌ی (۵) ماده‌ی (۱) قانون سال ۱۳۴۴ می‌گوید: «وزارت فرهنگ و هنر مکلف به بذل مساعدت‌های مالی و معنوی برای توسعه‌ی کتابخانه‌های عمومی شهرستان‌ها است و باید علاوه بر همکاری با هیأت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور، از کتب و مجلاتی که در اختیار دارد به همه‌ی کتابخانه‌های عمومی کشور به رایگان بفرستد.» این وظایف را وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در قانون سال ۱۳۸۲ نیز در بخش‌های دیگر قانون دارد، اما نوع کلام آن متفاوت است. به این صورت که یکی از وظایف انجمن شهرستان این است: «همکاری با وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سایر دستگاه‌های دولتی در زمینه ساخت، تجهیز، تکمیل و بازسازی کتابخانه‌ها.» یعنی علاوه بر این که این انجمن‌ها خود وظیفه‌ی ساخت کتابخانه را ندارند، به جای همکاری وزارت با آنها، این انجمن‌ها هستند که باید با وزارت همکاری کنند. به گمان نویسنده، اگر انجمن‌ها وظیفه‌ی ساخت کتابخانه را داشته باشند و با مشورت کتابداران آن را انجام دهند، احتمالاً بیشتر استانداردهای کتابخانه‌ای در ساخت آنها رعایت خواهد شد. وزارتخانه نیز به نظر انجمن‌ها اهمیت بیشتری خواهد داد و تنها کمک مالی و یا اگر لازم بود کمک‌های دیگری به آنها می‌کند.

بنابراین با توجه به موارد بالا می‌توان گفت در قانون ۱۳۴۴ هیأت امنای کتابخانه‌های عمومی نقش نظارت و راهنمایی بیشتری داشت، اما در قانون سال ۱۳۸۲ وظایف بسیار مفصل‌تری برای آن در نظر گرفته شده است. حتی انجمن‌ها نیز در قانون سال ۱۳۴۴ وظیفه‌ی تأسیس و اداره‌ی کتابخانه را داشتند، اما در قانون سال ۱۳۸۲ تنها وظیفه‌ی آنها گزارش دادن به هیأت امنای است. در قانون سال ۱۳۴۴ دبیر کل هیأت امنای از طریق اکثریت آرای آنها انتخاب می‌شود، اما اکنون طبق قانون، وزیر فرهنگ وی را تعیین می‌کند. در قانون ۱۳۴۴ مسئولان

جنبه‌های تاریخی کتابخانه‌های عمومی ایران

کتابخانه‌ها باید کتابدار باشند، ولی در قانون ۱۳۸۲ هیچ اشاره‌ای به کتابدار بودن اعضا (کارمندان) کتابخانه‌ها نشده است.

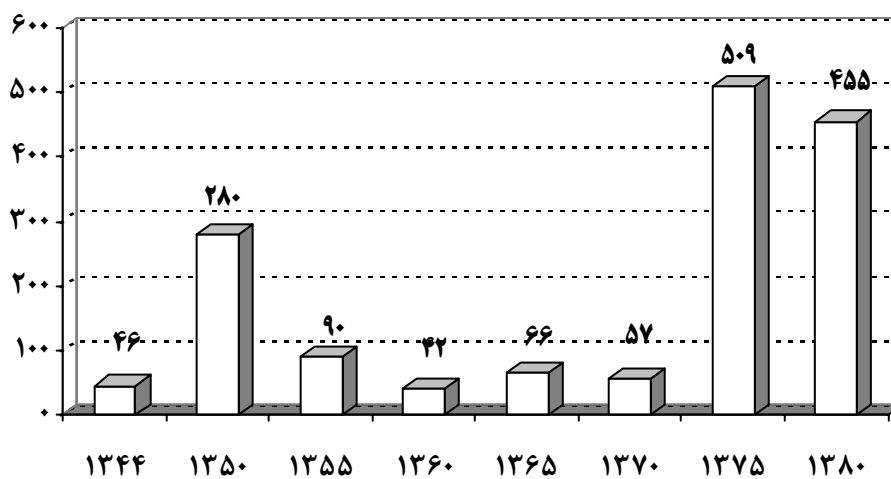
پوشش ۳. تحولات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تا چه میزان روی تحولات در نظام کتابخانه‌های عمومی نقش داشته است؟

از سال ۱۳۴۱، پیش از آنکه قانون «تأسیس کتابخانه‌ی عمومی در تمام شهرها» مصوب ۱۳۴۴ عملی شود؛ با اجرای طرح انقلاب سفید بعضی اقدامات در جهت گسترش دموکراسی انجام شده بود. طی دهه‌ی ۵۱-۱۳۴۱ درآمد نفت ایران بسیار بالا بود و متوسط رشد تولید ناخالص داخلی به حدود ۱۱/۴ درصد در سال رسید. در نتیجه امکان هزینه کردن توسط دولت مرکزی در بخش منابع انسانی افزایش یافت. ثبات سیاسی و بلا منازع بودن قدرت دولت مرکزی نیز امکان توجه دولت را به توسعه‌ی انسانی، صرف نظر از محتوا و جهت‌گیری آن، فراهم ساخت.

روند رو به رشد اعمال کنترل دولت مرکزی بر کتابخانه‌های عمومی را می‌توان در تبصره‌ی ۲۲ قانون بودجه کشور برای سال ۱۳۵۲ دید. این تبصره، کتابخانه‌های عمومی را از شهرداری‌ها بی‌نیاز کرد و آنها را به بودجه‌ی وزارت فرهنگ و هنر وابسته ساخت (مجموعه قوانین...، ۱۳۷۱). سبب این گرایش، گذشته از ثروتمند شدن دولت، می‌تواند شدت گرفتن روند تمرکزگرایی در کل ساختار سیاسی و میل به اعمال کنترل همه‌جانبه‌ی جامعه باشد که در این سال‌ها شدت یافته بود. نمود بارز آن را در انحلال احزاب - هرچند بی‌پایگاه در میان توده‌ی مردم - و ایجاد حزب واحد سراسری آشکار گردید. آمار نیز این ظن را تأیید می‌کند. از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۵ رشد کتابخانه‌ها کاهش یافت و به (۶۸-) رسید. با توجه به نمودار (۱) نیز به نظر می‌رسد که با متمرکز شدن فعالیت‌های دبیرخانه‌ی هیأت امناء و تعطیل شدن انجمن‌های کتابخانه‌های عمومی شهرها، علاقه‌ی محافل اجتماعی به مشارکت در ایجاد کتابخانه‌های عمومی به شدت کاهش یافت. برعکس، از سال ۱۳۷۰ با دوباره فعال شدن انجمن‌ها و پایان جنگ هشت ساله، تعداد کتابخانه‌ها نیز تقریباً ۹ برابر افزایش یافت (خدائی، ۱۳۸۵).

با وجود این تا سال ۱۳۵۷ کتابخانه‌های عمومی نسبتاً رشد خوبی داشتند. به نظر نویسنده، دلیل این امر وضعیت مالی خوب دولت در آن مقطع زمانی (۱۳۵۲-۱۳۵۷) است. در نتیجه

اعتباراتی هم که به کتابخانه‌های عمومی تعلق می‌گرفت، بیشتر بود. بعد از انقلاب نیز از نظر کمی تعداد کتابخانه‌ها و کتاب‌ها افزایش یافت. از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۰ و از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۶ به ترتیب تعداد کتابخانه‌ها ۶۳ درصد و ۹۳ درصد و تعداد کتاب‌ها ۹۹ درصد و ۵۵ درصد و از سال ۱۳۷۶ تا سال ۱۳۸۰ رشد کتابخانه‌ها به ۹۳/۶ درصد و تعداد کتاب‌ها ۷۵/۱۱ درصد افزایش یافت. اما از سال ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۰ و ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۶ و ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۰ به ترتیب تعداد اعضا از ۴۹ درصد به ۱/۵ درصد و بعد به ۸ درصد می‌رسد و همین‌طور کتاب‌های به امانت رفته از ۱/۹ درصد به ۲/۷ درصد و سپس به ۴/۸ درصد رسید. اما پدیده‌ی تعجب‌آور، کاهش همزمان تعداد اعضا و رشد ناچیز امانت در این آمارها است. این در حالی است که در این سال‌ها جمعیت رو به افزایش بود، ولی در سال ۱۳۷۶ به طور متوسط تنها ۱/۵ درصد از جمعیت کل کشور عضو کتابخانه‌های عمومی بودند. از طرفی، این موضوع را می‌توان تا سال ۱۳۷۰ به جنگ و وضعیت اقتصادی و اجتماعی نامناسب و بعد از آن به تمرکزگرایی در دولت نسبت داد. از طرف دیگر نشان‌دهنده‌ی اهمیت ندادن مسئولان به کارکردهای کیفی و مشارکت مردم و در نتیجه فاصله گرفتن کتابخانه‌های عمومی از مردم و جامعه باشد (خدائی، ۱۳۸۵). البته این عوامل از نتایج این پژوهش مختصر بر می‌آید و اظهار نظر مطمئن‌تر در این زمینه نیاز به بررسی بیشتر دارد.



نمودار ۱. تعداد کتابخانه‌های عمومی ساخته شده در هر پنج سال (منبع: خدائی، ۱۳۸۵)

جنبه‌های تاریخی کتابخانه‌های عمومی ایران

بدون شك تحولات سیاسی و اقتصادی در شکل‌گیری کتابخانه‌های عمومی در ایران نقش بسزایی داشته، اما به مرور زمان و با دخالت دولت از جنبه مردمی آنها کاسته شده است. مطالب ذکر شده در بالا نشان می‌دهد هر چه انجمن‌ها فعال‌تر عمل کنند، توجه مردمی و رشد و توسعه‌ی این کتابخانه‌ها سریع‌تر اتفاق خواهد افتاد.

پرسش ۴. چارچوب قانونی و مالی کتابخانه‌های عمومی در کشور ما تا چه اندازه با رهنمودهای ایفلا/ یونسکو هم‌خوانی دارد؟

در رهنمودهای ایفلا/ یونسکو در سال ۲۰۰۱ آمده است: «بهتر است اختیار کتابخانه‌های عمومی که اساساً خدمات‌شان به صورت محلی است در دست دولت محلی^۱ باشد. زیرا در بعضی کشورها که کتابخانه‌های عمومی در سطح استانی، منطقه‌ای یا ملی اداره می‌شوند؛ فاصله‌ای به اندازه‌ی دو یا سه سطح بین دولت و خدمات آنها وجود دارد». در کشور ما طبق قانون مسئولیت و اختیارات اصلی این کتابخانه‌ها به عهده‌ی نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور یعنی در سطح ملی است و انجمن‌های استان و شهرستان نیز با اختیاراتی محدود با آن همکاری می‌کنند. با توجه به بافت اصلی دولت در کشور ما که به صورت ملی است، این درجه‌بندی یعنی نظارت یک هیأت امنای ملی بر انجمن‌ها برای هماهنگی، درست به نظر می‌رسد. یکی از موارد جدید قانون کتابخانه‌های عمومی، انجمن‌های کتابخانه‌های عمومی استان است که هدف از تشکیل آن ایجاد هماهنگی و بررسی و پیشنهاد برنامه و بودجه، عملکرد و تراز مالی سالانه به هیأت امنای حل و فصل مسائل و مشکلات انجمن‌ها بیان شده است. این انجمن‌ها با وجود درگیر کردن مستقیم استانداران و دیگر مسئولان (که نه منتخب مردم محل، بلکه منتصب دولت مرکزی‌اند)، در عین امکان ارتقای جایگاه و قدرت کتابخانه‌های عمومی، می‌توانند موجب دور شدن آنها از جامعه محلی شوند.

طبق رهنمودهای ایفلا/ یونسکو (۲۰۰۱)^۲ «قانون کتابخانه‌ی عمومی باید معین کند که چه بخشی از دولت مسئول تأسیس آنهاست و بودجه‌شان چگونه تأمین می‌شود. همچنین جایگاه آنها در قالب کتابخانه‌های کشور یا منطقه به عنوان یک کل مشخص باشد.» در کشور ما نیز

۱. دولت محلی در کشورهای دارای ساختار سیاسی غیر متمرکز نظیر آمریکا، هند، استرالیا، انگلستان، مترادف شهرداری‌ها در نظام‌های سیاسی متمرکز نظیر ایران و فرانسه است.

قانونی مخصوص کتابخانه‌های عمومی وجود دارد، جایگاه آنها در دولت مشخص است و راه‌های تأمین بودجه‌ی آنها تعیین شده است.

«موفقیت کتابخانه‌ی عمومی در ایفای کامل وظایفش را مقدار کافی بودجه تضمین می‌کند». در کشور ما براساس قانون سال ۱۳۴۴، ۱/۵ درصد درآمد شهرداری‌ها به این کتابخانه‌ها اختصاص داده شده بود. اما در سال ۱۳۵۲ طبق تبصره‌ای بودجه‌ی تخصیصی در آمد شهرداری‌ها حذف شد. بعد از انقلاب نیز اعتبارات اندکی مانند دو هزارم (۰/۰۰۲) درآمد شهرداری به آنها اختصاص داده شده بود. با تصویب قانون جدید در سال ۱۳۸۲ منابع مالی و بودجه‌ی کتابخانه‌های عمومی کشور از راه کمک‌های دولت در بودجه‌ی سالیانه‌ی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، نیم درصد درآمد شهرداری‌ها؛ هدایا و کمک‌های مردمی سازمان‌ها، مؤسسات و نهاد عمومی غیردولتی و بخش خصوصی و مجامع بین‌المللی؛ موقوفات، درآمدهای اختصاصی انجمن‌ها و کتابخانه‌های عمومی از محل انجام فعالیت‌های فرهنگی و آموزشی مرتبط و دریافت حق عضویت تأمین می‌شود. علاوه بر آن، بودجه‌ای که سالیانه به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی داده می‌شود، می‌تواند امکان تصمیم‌گیری مستقل حرفه‌ای را از کتابداران سلب کند.

طبق رهنمودهای ایفلا/ یونسکو برای کتابخانه‌های عمومی (۲۰۰۱) هیئت مدیره کتابخانه‌های عمومی، کمیته‌ای است که جهت نظارت بر کتابخانه‌های عمومی تشکیل شده است و اعضای آن از نمایندگان جامعه‌ی کتابخانه در انجمن محلی و مسئولان کتابخانه انتخاب شده‌اند. این هیئت‌های کتابخانه باید قوانین مکتوب داشته باشند و دستورالعمل‌های شان برای عموم مردم روشن باشد. معمولاً این هیئت ناظر عملیات روزمره‌ی کتابخانه را انجام نمی‌دهد و مسئول سیاست‌های کلی است. اما در کشور ما اعضای هیأت امنای کتابخانه‌های عمومی، انتخابی از اعضای انجمن‌ها نیستند. همچنین بر اساس قانون سال ۱۳۸۲، هم سیاست‌گذاری و هم مسئولیت و اختیارات اصلی، انتخاب کتاب و... (عملیات روزمره) به طور متمرکز وظیفه‌ی هیأت امناست، و انجمن‌های استان بیشتر نقش واسطه و گزارش‌دهنده را دارند و انجمن‌های شهرستان بیشتر وظیفه‌ی بررسی بودجه، افتتاح حساب، انجام امور مالی و ارسال گزارش‌های آن را به عهده دارند و در کنار آن به امور نیروی انسانی و تشویق به اهدا هم رسیدگی می‌کنند.

جنبه‌های تاریخی کتابخانه‌های عمومی ایران

همچنین رهنمودهای ایفلا اشاره می‌کند: کتابداران باید برای عملکردشان، هم جوابگوی هیئت نظارت و هم شهروندان محلی باشند. تصمیمات نهایی در سیاست گذاری به وسیله‌ی هیئت نظارت و کتابداران گرفته می‌شود، اما باید راه‌هایی جستجو کرد که کاربران واقعی یا بالقوه‌ی کتابخانه نیز در آنها شرکت داشته باشند. در صورتی که برای کتابداران، در قانون نحوه‌ی تأسیس کتابخانه‌های عمومی کشور سال ۱۳۸۲ هیچ جایی در نظر گرفته نشده است. نه در ترکیب هیأت امنای و نه انجمن‌های استان و شهرستان، نامی از فردی که مدرک کتابداری داشته باشد وجود ندارد. به کتابداران هیچ مسئولیتی داده نشده و در تصمیم‌گیری برای توسعه‌ی این کتابخانه‌ها نقشی ندارند، بنابراین جوابگو هم نیستند. با این توضیح کاربران نیز برای شرکت در توسعه‌ی کتابخانه‌ها جایگاهی ندارند.

تأکید ایفلا بر این است که برای به‌دست آوردن بهترین نتیجه از مدیریت، کارمندان کتابخانه‌های عمومی باید از رشته‌های مختلف، با مهارت‌های تخصصی انتخاب شوند. بر اساس آمار هیأت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور، علاوه بر کمبود نیروی انسانی در کتابخانه‌های عمومی، حدود نیمی از کارمندان این کتابخانه‌ها هیچ مدرک تخصصی ندارند.

بنابراین کتابخانه‌های عمومی در کشور ما از نظر نحوه‌ی اداره‌ی ملی و نبود اختیارات محلی، کمبود بودجه، هیئت نظارت دخیل در کارهای روزمره (نه سیاست‌گذاری) و روشن نبودن آنها برای انجمن‌ها و مردم محلی و دخالت ندادن آنها در امور این کتابخانه‌ها و کمبود نیروی انسانی متخصص، با معیارهای جهانی (ایفلا و یونسکو) فاصله دارند.

پرسش ۵. کتابخانه‌های عمومی ایران چه تفاوت‌ها و تشابه‌هایی با کشورهای پیشگام جنبش کتابخانه‌های عمومی (آمریکا و انگلیس) دارند؟

پیش از این، اشاره شد که تلاش‌های مردمی و تشکیل بعضی انجمن‌ها به دنبال تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی قرن نوزدهم، در کشورهای آمریکا و انگلیس موجب شکل‌گیری جنبش کتابخانه‌های عمومی شد. مشخصه‌ی بارز جنبش کتابخانه‌های عمومی انگلیس طرح‌های با ارزش و تأثیرگذار و قوانینی است که به دنبال آنها تصویب شدند. این قوانین در طول مسیر تحول این جنبش همواره باعث پیشرفت آن شده است و حتی با متمرکز شدن مدیریت کتابخانه‌های عمومی باز هم در قانون آنها، اختیارات محلی مورد توجه قرار گرفته است. چنانچه در قانون سال ۱۹۶۴ میلادی به انجمن‌های محلی اختیار تأسیس کتابخانه‌های عمومی و خدمات

کتابخانه‌ای جامع و کافی داده شده است (موریسون^۱، ۱۹۸۸).

کتابخانه‌های عمومی در انگلیس بیشتر از دیگر نهادهای عمومی، مردمی (دموکراتیک) هستند. این کتابخانه‌ها تماس نزدیکی با استفاده‌کنندگان دارند و دسترسی به خدمات رایگان از ویژگی‌های مهم آنها است. مردم می‌توانند به آسانی با هیئت مدیره، شورای محلی، اعضای کمیته و کتابداران کتابخانه‌های محلی گفت‌وگو کنند. علاوه بر آن، استفاده‌کنندگان در امور مالی دخالت مستقیم دارند و می‌توانند در تعیین استانداردهای کتابخانه تأثیرگذار باشند (موریسون، ۱۹۸۸).

از عوامل مهم و مؤثر بر جنبش کتابخانه‌های عمومی در آمریکا نیز انجمن‌های ادبی و علمی و به عبارتی مردم بودند؛ به طوری که به قول تامپسون می‌توان کتابخانه‌های عمومی آمریکا را مظهر اصل «کتابخانه زاده‌ی جامعه است» دانست. عامل مهم دیگر پیشرفت کتابخانه‌های عمومی در این کشور، مشخص بودن اهداف و اعتقاد راسخ به این بود که کتابخانه به عنوان مؤسسه‌ای فرهنگی و آزاد برای همه‌ی افراد، به ساختن جامعه‌ای نوین و پیشرفته کمک خواهد کرد (تامپسون، ۱۳۶۶).

شکل‌گیری جنبش کتابخانه‌های عمومی در ایران بی‌شابهت به این جنبش در کشورهای پیشگام نیست و ریشه در بیداری و تلاش مردمی دارد. اما این جنبش در کشورهای انگلیس و آمریکا در حیطه‌ی نظارت و کنترل مردمی باقی ماند و هنوز در رهنمودها و قوانین آنها بر مشارکت مردمی تأکید می‌شود. به‌طور مثال در قانون کتابخانه‌ی عمومی و موزه‌ها در سال ۱۹۶۴ در انگلیس، دولت مسئولیت فراهم کردن امکانات را برعهده دارد و برای کارکردهای خاص کتابخانه‌ی عمومی اختیارات محلی داده شده است. در این قانون آمده است: «وظیفه‌ی مسئولان هر کتابخانه است که خدمات جامع و کافی را برای افرادی که می‌خواهند از آن استفاده کنند، فراهم کنند. و هر ماده‌ای را که در حیطه‌ی وظایف کتابخانه است به‌علاوه‌ی رفع دیگر نیازهای منطقه کتابخانه، بر اساس اختیارات محلی فراهم آورند». در این قوانین همچنین به تشویق استفاده‌کنندگان (بزرگسالان و کودکان) به استفاده‌ی بیشتر از کتابخانه و دادن پیشنهاد برای اطلاعات مورد نیازشان، تأکید شده است (موریسون، ۱۹۸۸). یکی از ویژگی‌های کتابخانه‌های عمومی در کشور ایران ارائه ندادن خدمات به کودکان و نوجوانان است. از همان اوایل تأسیس

1. Murison

جنبه‌های تاریخی کتابخانه‌های عمومی ایران

کتابخانه‌های عمومی، کتابخانه‌هایی مخصوص کودکان ساخته شد. اما بعد از تأسیس کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در سال ۱۳۴۴، بیشتر مسئولیت خدمات برای کودکان، بر دوش این کانون‌ها بوده است. به طوری که امروزه تنها ۷۰ تا ۸۰ باب از تقریباً ۱۸۰۰ باب کتابخانه‌ی عمومی بخشی مجزا برای کودکان دارند، و دلیل آن کمبود جا ذکر می‌شود. در صورتی که کودکان و نوجوانان یک سوم از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند. (مهرداد و حری، ۱۳۸۱)

این در حالی است که در کشورهای دیگر از جمله آمریکا و انگلیس، خدمات به کودکان و نوجوانان از ابتدا در کتابخانه‌های عمومی ارائه شده و امروزه نیز بخشی اساسی از این کتابخانه‌ها به شمار می‌رود. همچنین در همه‌ی تعریف‌هایی که از کتابخانه‌های عمومی شده به ارائه‌ی خدمات به همه‌ی گروه‌های سنی اشاره شده است (دراک، ۲۰۰۳) در رهنمودهای ایفلا/یونسکو نیز دو جنبه از رسالت کتابخانه‌ی عمومی به طور خاص به کودکان اختصاص دارد: ۱- ایجاد و تقویت عادت مطالعه در کودکان از سنین پایین؛ ۲- تحریک تخیل و آفرینندگی کودکان و نوجوانان. یکی از بخش‌های اهداف کتابخانه‌ی عمومی در این رهنمودها نیز کودکان و نوجوانان است (دراک، ۲۰۰۳). بنابراین به نظر می‌رسد در ایران در این مورد کوتاهی شده و یکی از وظایف و رسالت‌های مهم کتابخانه‌های عمومی نادیده گرفته شده است. علاوه بر این، دیگر گروه‌های خاص که می‌توانند استفاده کنندگان کتابخانه‌ی عمومی باشند نیز، مورد بی‌توجهی قرار گرفته‌اند. مثلاً در قانون سال ۱۳۸۲ فقط به نابینایان اشاره شده است و دیگر گروه‌ها، مانند ناشنویان، معلولان و دیگر افراد کم‌توان نادیده گرفته شده‌اند. این مسئله شامل گروه‌های خاص دیگر مانند اقلیت‌های زبانی و مذهبی نیز می‌شود. همچنین بر اساس پژوهش برادران (۱۳۷۷)، به دلیل برنامه‌ریزی متمرکز برای کتابخانه‌ها، نیازها و بافت فرهنگی استان‌های مختلف در نظر گرفته نشده و بنابراین اقلیت‌های بومی نیز در استفاده از کتابخانه‌های عمومی دچار محدودیت و یا شاید محرومیت هستند. از ملاحظات فوق می‌توان نتیجه گرفت که کتابخانه‌های عمومی در کشور ما به معنای واقعی کلمه عمومی نیستند، که مهم‌ترین دلیل آن می‌تواند کاهش میزان مراجعه و توجه بدنه‌ی جامعه به آنها باشد.

I. Drake



نتیجه گیری

اصلاحات مدنی، آموزشی، اقتصادی و صنعتی که از دوران سلطنت قاجاریه و پهلوی شروع شد؛ همراه با توسعه‌ی چاپ و نشر و آموزش عمومی، تعداد باسوادان را تا حدودی در کشور افزایش داد. همچنین جنبش مشروطیت و عوامل به وجود آورنده‌ی آن باعث تحول فکری، اجتماعی و سیاسی در جامعه شد. و به آگاهی و بیداری مردم کمک کرد. به دنبال این آگاهی، مردم جامعه شروع به فعالیت‌های فرهنگی از جمله تشکیل انجمن‌ها و انتشار روزنامه کردند. این گونه فعالیت‌ها از عوامل مهم ساخته شدن اولین قرائت‌خانه‌ها و کتابخانه‌های ملی (عمومی) و در نتیجه کتابخانه‌های عمومی امروزی در اوایل قرن چهاردهم هجری بودند. بعد از آن، وضعیت اقتصادی مناسب توجه دولت را به سمت کتابخانه‌های عمومی جلب کرد. در نتیجه‌ی آن، در سال ۱۳۴۴ «قانون تأسیس کتابخانه‌ی عمومی در تمام شهرها» به تصویب رسید. از آن زمان در شهرهای مختلف انجمن‌هایی تشکیل شد که اقدام به ساخت کتابخانه کردند.

قوانین در طول زمان دست مردم را از دخالت در توسعه‌ی کتابخانه‌های عمومی کوتاه کرد. چراکه در قانون سال ۱۳۴۴ به انجمن‌های شهر نسبت به هیأت امانا اهمیت بیشتری داده شده بود و این انجمن‌ها اختیارات گسترده‌تری برای ساخت و تجهیز کتابخانه‌ها و همچنین خرید کتاب داشتند. اما قانون سال ۱۳۸۲ این اختیارات را به نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور داده است.

بدون شک تحولات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور بر نظام کتابخانه‌های عمومی تأثیر زیادی گذاشته است. مسائل سیاسی و فرهنگی مانند گسترش دموکراسی یا برعکس دیکتاتوری و یا وضعیت اقتصادی مناسب یا نامناسب دولت باعث فراز و نشیب‌های زیادی در مسیر تحول کتابخانه‌های عمومی ایران شده است. مثلاً بعضی مسائل فرهنگی و اقتصادی هم‌زمان با جنبش مشروطیت موجب شد تا کتابخانه‌های عمومی توسط مردم ساخته شود و تحت حمایت قانون و دولت قرار بگیرد. به همین صورت جو سیاسی استبداد و انحصارطلبی، جنبش مردمی کتابخانه‌های عمومی را از مسیر خود منحرف کرد و به انحصار دولت درآورد. در سال‌های اخیر نیز مشکلات اقتصادی و تمرکزگرایی باعث کندی روند پیشرفت این کتابخانه‌ها شده است.

جنبه‌های تاریخی کتابخانه‌های عمومی ایران

از نظر هم‌خوانی چارچوب قانونی و مالی کتابخانه‌های عمومی ایران با رهنمودهای ایفلا نیز می‌توان گفت که تنها از نظر این که قانونی وجود داشته باشد، هم‌خوانی دارند. ولی از لحاظ رابطه با دولت، چون اداره‌ی این کتابخانه‌ها به صورت ملی است، بین اداره‌کنندگان و خدمات فاصله وجود دارد. همچنین انجمن‌های استان بین انجمن‌های شهر، که می‌توانستند مسئول بلافصل کتابخانه‌های عمومی در جامعه محلی باشند و هیئت ناظر ملی جدایی انداخته است. لازم به ذکر است که بودجه زیادی هم به کتابخانه‌های عمومی تعلق نمی‌گیرد. اعضای هیئت مدیره نیز انتخابی نیستند و هیئت مدیره به جای سیاست‌گذاری، عملیات روزمره را انجام می‌دهد. همچنین کتابداران در ترکیب هیئت مدیره و انجمن‌ها، جایی ندارند و در تصمیمات و سیاست‌گذاری‌ها دخالت داده نمی‌شوند. علاوه بر همه‌ی اینها، کمبود نیروی انسانی باعث می‌شود که از این جنبه‌ها کتابخانه‌های عمومی کشور با رهنمودهای ایفلا/ یونسکو هم‌خوانی نداشته باشند.

در کشورهای آمریکا و انگلیس نیز که از پیشگامان جنبش کتابخانه‌های عمومی در دنیا بودند، مشابه ایران، به دنبال تحولات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و صنعتی شدن در قرن نوزدهم، با تشکیل انجمن‌ها و تلاش‌های مردمی، اولین کتابخانه‌های عمومی ساخته شد. اما از عوامل مهم توسعه‌ی این جنبش در کشور انگلیس، طرح‌های تأثیرگذار در این امر بوده است. همچنین در آمریکا اهداف مشخص و اعتقاد به کتابخانه‌هایی آزاد برای همه، برای ساختن جامعه‌ای پیشرفته باعث توسعه‌ی هر چه بیشتر این نوع کتابخانه‌ها شده است. لذا از این نظر با توسعه‌ی کتابخانه‌های عمومی در کشور ما تفاوت‌هایی وجود دارد. زیرا در ایران در دوره‌های تاریخی طرح خاصی برای این گونه کتابخانه‌ها ارائه نشده یا به آنها عمل نشده است. از لحاظ اهداف مشخص و اعتقاد به کتابخانه‌ی عمومی به نظر می‌رسد در کشور ما نقص‌هایی وجود دارد.

یکی از ویژگی‌های خاص نظام کتابخانه‌های عمومی ایران، یعنی ارائه نکردن خدمات به گروه‌های خاص و کودکان و نوجوانان نیز آنها را از انجام کامل رسالت و اهداف خود باز داشته است. چراکه وظیفه‌ی کتابخانه‌ی عمومی ارائه‌ی خدمت به همه‌ی گروه‌های جامعه‌اش بدون محدودیت سنی ... است. این کارکرد می‌توانست کودکان را از سن پایین با کتابخانه‌ی

عمومی آشنا کند و آنها از کودکی راه کتابخانه‌ی محله‌ی شان را یاد بگیرند و از منابع با ارزش آن برای رشد فردی و اجتماعی شان، استفاده کنند و در سنین بالاتر بیشتر برای توسعه‌ی آن اهمیت قائل شوند. همچنین بر اساس رهنمودهای ایفلا کودکان می‌توانستند وسیله‌ای برای تشویق بزرگترهای شان برای مراجعه به کتابخانه باشند. از طرفی دیگر گروه‌های خاص یعنی افراد کم‌توان و اقلیت‌های بومی و مذهبی و... نیز به دلیل ضعف خدمات و مجموعه‌سازی متمرکز از استفاده‌ی مؤثر از این کتابخانه‌ها محروم هستند.

بنابراین به گمان نویسنده، کتابخانه‌های عمومی ایران از ماهیت و رسالت اصلی خود دور شده‌اند. به دلیل شرکت ندادن کتابداران در برنامه‌ریزی و مدیریت برنامه‌ها خدمات شان ضعیف شده است. بی‌تردید، با توجه بیش‌تر مسئولان به کتابخانه‌های عمومی و مدیریت افراد تحصیل کرده و متخصصان کتابداری و تغییراتی که صورت گرفته و خواهد گرفت، این کتابخانه‌ها می‌توانند در توسعه‌ی فردی و اجتماعی و در نتیجه پیشرفت مملکت سهم بیش‌تری داشته باشند.

پیشنادهایی برای رفع موانع

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد کتابخانه‌های عمومی ایران مشکلات زیادی دارند و قانون «نحوه‌ی تأسیس کتابخانه‌های عمومی کشور» مصوب سال ۱۳۸۲ نیز با نارسایی‌هایی که دارد نمی‌تواند از عهده‌ی حل این مشکلات برآید. بنابراین پیشنهاد می‌شود این قانون و دیگر متون و آیین‌نامه‌ها توسط گروهی از متخصصان کتابداری یا با مشارکت آنها بازنویسی شود^۱ و نکات زیر مورد توجه قرار گیرد:

- در کتابخانه‌ی عمومی هر محله، انجمنی که می‌توان آن را انجمن کتابخانه‌ی محله نامید، تشکیل شود. در این انجمن، افراد محله که علاقه‌مند به کتابخانه‌ی محله هستند (از طریق اعلان قبلی در کوچه و خیابان)؛ به‌علاوه‌ی کتابداران و مسئولان کتابخانه و افراد سرشناس و معتمد محله و یا احیاناً متخصصان کتابداری آن محله (به وسیله‌ی دعوت رسمی) شرکت داشته باشند. این افراد از بین کتابداران حاضر یکی را به عنوان رئیس یا مدیر کتابخانه انتخاب کنند. در جلسات انجمن کتابخانه‌ی محله، راجع به نیازهای فرهنگی مردم محل و در نتیجه نیازهای

۱. پیشنهاد بازنویسی متون قبلاً در گزارش طرح توسعه کتابخانه‌های عمومی نیز مطرح شده بود.

جنبه‌های تاریخی کتابخانه‌های عمومی ایران

(مواد و امکانات لازم) کتابخانه تصمیم‌گیری شود و این تصمیم‌ها به انجمن کتابخانه‌های شهر نیز اعلام شود. انجمن کتابخانه‌ی محله می‌تواند با همکاری کتابداران و مراجعان، برنامه‌های دیگری مانند همکاری با دیگر کتابخانه‌ها و یا سازمان‌های محله و برگزاری مراسم‌هایی مانند شب شعر و نمایشگاه‌های مختلف هنری و... را به عهده بگیرد.

- برای تشکیل انجمن کتابخانه‌ی شهرها هر چند سال یک بار جلسه‌ای ترتیب داده شود و اعضای کتابخانه‌ها در آن شرکت داشته باشند. اعضای کتابخانه‌های شهر از بین مدیران کتابخانه‌ها که قبلاً توسط انجمن کتابخانه‌های محله‌ها انتخاب شده‌اند، افرادی را برای عضویت در انجمن کتابخانه شهر برگزینند، آنگاه با رأی اعضای کتابخانه‌ها از بین این کتابداران فردی به عنوان دبیر انجمن کتابخانه‌های شهر برگزیده شود. این فرد به‌علاوه‌ی نماینده‌ای از اداره‌ی فرهنگ و ارشاد اسلامی، نماینده‌ای از شورای اسلامی شهر، نماینده‌ای از شهرداری، نماینده‌ای از آموزش و پرورش (نماینده‌ها بیشتر خود را موظف می‌دانند که در جلسات شرکت کنند، اما رئیس‌ها معمولاً کمتر فرصت حضور در همه‌ی جلسات را دارند) و چند نفر دیگر از کتابداران منتخب اعضای کتابخانه‌ها، اعضای انجمن را تشکیل دهند.

- انجمن کتابخانه‌های عمومی استان حذف شود. زیرا جز واسطه‌گری و گزارش‌دهی، وظیفه‌ای ندارد و باعث فاصله بین دولت و کتابخانه‌ها می‌شود و دیوان‌سالاری را بیشتر می‌کند.

- هر چند سال یک بار جلسه‌ای با حضور دبیران انجمن کتابخانه‌ی شهرها تشکیل شود و آنها اعضای هیأت امنای نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور را از بین خود و چند تن از دانشمندان و متخصصان کتابداری و رشته‌های مرتبط دیگر مانند مدیریت و ارتباطات و... انتخاب کنند. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی عضو ثابت این هیأت خواهد بود. بدیهی است که دبیر کل نهاد نیز از بین دبیران انتخاب می‌شود. زیرا بهتر است دبیر کل متخصص کتابداری باشد تا تسلط بیشتری بر کارکرد و اهداف کتابخانه‌ها داشته باشد.

- اختیارات گسترده‌ای برای انجمن کتابخانه‌ی شهرها و همچنین انجمن کتابخانه‌ی محله‌ها برای ساخت و تجهیز کتابخانه‌ها با مشارکت مردم در نظر گرفته شود.

- بودجه‌ی کافی برای تعمیر و تجهیز کتابخانه‌ها با منظره‌ای عالی و مجهز به سیستم‌های پیشرفته الکترونیکی برای جذب استفاده‌کننده‌ها اختصاص داده شود.

- بودجه‌ای که سالیانه از طرف دولت و شهرداری به کتابخانه‌های عمومی تعلق می‌گیرد و همچنین شرح جلسات و مذاکرات انجمن‌ها و هیأت‌امنا به اطلاع مسئولان و کتابداران و حتی مردم برسد.

- انتخاب کتاب و مجموعه‌سازی و حتی تجهیزات کتابخانه‌ها بر اساس بافت فرهنگی هر استان، شهر و یا حتی محله با توجه به سفارش و نیاز جامعه‌ی محلی که از طریق انجمن کتابخانه‌ی محله اعلام می‌شود؛ صورت گیرد.
- حق عضویت کتابخانه‌ها اختیاری باشد.

- بودجه‌ای که از طرف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به کتابخانه‌های عمومی کشور تعلق می‌گیرد، از طرف نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور بین انجمن‌های کتابخانه‌های شهرها تقسیم شود. نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور غیر از این، فقط وظیفه‌ی هماهنگی و نظارت بین انجمن‌های کتابخانه‌های شهر را به عهده خواهد داشت.

- به نیازهای گروه‌های خاص مانند افراد کم‌توان یا ناتوان جسمی و ذهنی و کسانی که به هر دلیلی امکان آمدن به کتابخانه را ندارند توجه شود. در طراحی ساختمان کتابخانه‌ها و همچنین تهیه‌ی منابع و تجهیزات، ویژگی‌های خاص این افراد در نظر گرفته شود. خدماتی مانند اطلاع‌رسانی به صورت تلفنی، پستی، الکترونیکی و ... برای آنهایی که برایشان مشکل است به کتابخانه بیایند، در نظر گرفته شود.

- بخشی مجزا برای کودکان و نوجوانان در تمام کتابخانه‌های عمومی تشکیل شود و مجموعه‌ها، امکانات و کتابدارانی متناسب با روحیه‌ی کودکان و نوجوانان انتخاب شود. کتابخانه‌های عمومی با کتابخانه‌های کانون پرورش فکری و آموزشگاهی ارتباط داشته باشند و با آنها همکاری کنند.

منابع و مآخذ

آبراهامیان، پروانه (۱۳۷۷). ایران بین دو انقلاب: درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران معاصر. تهران: نشر نی.

آشنایی، محمدرضا (۱۳۸۴). قانون تأسیس و نحوه اداره کتابخانه‌های عمومی کشور. [مشهد]: مدیریت

جنبه‌های تاریخی کتابخانه‌های عمومی ایران

کتابخانه‌های عمومی خراسان رضوی، (پلی کی).)

انصاری، محمدابراهیم (۱۳۷۰). گزارشی از نظام کتابخانه‌های عمومی کشور. پیام کتابخانه، ۱(۲-۳)، ۶-۱۹.

برادران، فیروزه (۱۳۷۷). بررسی چگونگی تحقق اهداف ناظر بر کتابخانه‌های عمومی در برنامه‌های توسعه فرهنگی، اجتماعی جمهوری اسلامی ایران. پایان نامه کارشناسی ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی.

برنامه پنجم عمرانی کشور ۱۳۵۶-۱۳۵۲. تهران: سازمان برنامه، ۱۳۵۱.

برنامه چهارم عمرانی کشور ۱۳۵۱-۱۳۴۷. تهران: سازمان برنامه، ۱۳۵۱.

به سوی توسعه کتابخانه‌های عمومی. کتاب هفته، ۱۸۲، ۳۰ خرداد ۱۳۸۳.

پاول، رونالد (۱۳۷۹). روش‌های اساسی پژوهش برای کتابداران. ترجمه نجلا حریری. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.

تامپسون، جیمز (۱۳۶۶). تاریخ اصول کتابداری. ترجمه محمود حقیقی، ویرایش فرزانه طاهری، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

خدایی، محبوبه (۱۳۸۵). جنبه‌های تاریخی شکل‌گیری و توسعه کتابخانه‌های عمومی در ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.

دبیرخانه هیأت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور (۱۳۸۲). طرح جامع توسعه کتابخانه‌های عمومی کشور، تهران: مؤسسه فرهنگی هنری عصر توسعه دانش.

دلاور، علی (۱۳۷۵). روش تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی. تهران: مؤسسه نشر ویرایش.

رجبی، محمد حسن (۱۳۸۱). کتابخانه در ایران. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

رهنمودهایی برای کتابخانه‌های عمومی فدراسیون بین‌المللی انجمن‌های کتابداری (۱۳۶۸). ترجمه رحمت‌الله فتاحی، ویرایش ۲، مشهد: آستان قدس رضوی.

شعبانی، احمد (۱۳۷۶). مقایسه رشد کتابخانه‌های عمومی ایران با غرب (در فرایند و تبلور کارکردهای اجتماعی نهاد و سازمان). پیام کتابخانه، ۷(۲۴)، ۳۳-۳۹.

کتابخانه‌های عمومی در گذر زمان و چالش‌های آن. تهران: دبیرخانه هیأت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور، ۱۳۸۳ (پلی کی).



مجموعه قوانین بودجه، برنامه و سایر قوانین و مصوبات مربوط از سال ۱۳۴۴ تا سال ۱۳۵۷. تدوین منوچهر ضیایی، تهران: سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۶۷-۱۳۷۰.

مجموعه قوانین و مقررات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی شامل قوانین و تصویب نامه‌ها، آیین نامه‌ها، اساسنامه‌ها و... (۱۳۷۱). تدوین دفتر حقوقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

مجموعه کامل قوانین و مقررات شهرداری و خدمات عمومی (۱۳۶۹). تدوین فرج الله قربانی، تهران: فردوسی.

مزیانی، علی (۱۳۷۹). کتابخانه و کتابداری. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).

مک کالوین، لیونل روی (۱۳۳۴). توسعه کتابخانه‌های عمومی. ترجمه خانابا بیانی، تهران: یونسکو.

منصوریان، محمد کریم (۱۳۸۱). روش‌های پژوهش کیفی و کمی در علوم اجتماعی. شیراز: نوید شیراز. مهرداد، جعفر؛ حری، عباس (۱۳۸۱) گزارش طرح توسعه نظام ملی کتابخانه‌های عمومی ایران ۱۳۷۸-۱۳۸۰. شیراز: دانشگاه شیراز.

Black, Alistair (2004). National Planning for Public Library Service: The work and ideas of Lionel McColvin. *LIBRARY TRENDS*, 52 (4), pp. 902-923.

Bouri, Elizabeth. N. (1994). Public Libraries Development Reconsidered: The Case of Egypt. *The International Information and Library Review*, 26, 151-168.

Drake, Miriam A. (Editor) (2003). Public Library History. in *Encyclopedia of Library and Information science*. 2nded, NewYork, Marsel Dekker, 4, pp. 2397-2398.

Murison, William John (1988). The Public Library: its Origins, purpose and significance. London: Clive Bingley, pp. 54, 37.

The public library service: IFLA/UNESCO Guidelines for development (2001). K. G. [no place]: Saur Munchen , pp. 13-21.

Yilmaz, Bulent (2005). Social, Industrilisation and Public Libraries: A Thorithical Approach, *Aslib Proceedings: new information perspectives*, 5 (54), pp. 326-334.

Zanjani, Bavand (1989). Public Libraries in Iran and their Development. *The International Library Review*, 21, pp. 347-353.

به این مقاله، این گونه استناد کنید:

خدایی، محبوبه (۱۳۸۸). جنبه‌های تاریخی کتابخانه‌های عمومی ایران. *پیام کتابخانه*، ۱۵ (۲)، ۱۶۹-۱۹۲.

